

نگاه روز

نامه بهمن فرمان آرا

اعتراض به توقیف

«آشغال‌های دوست‌داشتنی»



● **فرانک آرتا:**فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»، به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی محسن امیریوسفی، از جمله مناقشه‌برانگیزترین فیلم‌های سینمایی در دهه ۹۰ شمسی سینمای ایران است. این فیلم محصول سال ۱۳۹۱، به حوادث سال ۱۳۸۸ می‌پردازد و در کنار «عصبانی نیستم»، به کارگردانی رضا درمیشیان، به مناقشات دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد پرداخته که ظاهراً در زمره موضوعات ملتهب قرار گرفته‌اند و تا امروز بیشترین نوع سانسور و اصلاحات از جانب سازمان سینمایی دو دولت با خط مشی متفاوت «آشغال‌های دوست‌داشتنی» در مسیر توقیف شاهد است. با این رویکرد، هنگامی که فیلم «عصبانی نیستم» بعد از مدت‌ها به اکران عمومی درآمد، نه‌تنها مشکلی ایجاد نکرد، بلکه نگاه مردم به آن به‌مثابه فیلم بود و اتفاق امنیتی‌ای هم هنگام اکران عمومی آن روی نداد! اما متأسفانه تا امروز «آشغال‌های دوست‌داشتنی» در مسیر توقیف قرار گرفته و با وجود اینکه هزینه این فیلم از جیب مبارک شخص تهیه‌کننده مصرف شده، چندان از سوی مسئولان مربوطه مورد عنایت قرار نگرفته است! حال بهمن فرمان‌آرا، کارگردان شناخته‌شده سینما، در یادداشتی خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست نمایش این فیلم را مطرح کرده؛ باشد که مقبول افتد!

جناب آقای دکتر سیدعباس صالحی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

با احترام این نامه را برای شما می‌نویسم که به توقیف شش‌ساله فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» اثر محسن امیریوسفی اعتراض کنم. سینما به نسل جوان برای ادامه حیات خود احتیاج دارد و وقتی کارگردانان جوانی مثل محسن امیریوسفی باید شش سال منتظر اکران فیلم‌شان بشوند، چه انتظاری است که کارهای بعدی را شروع کنند.

آنچه ما هر روز در رسانه‌ها راجع به آشغال‌های منفر می‌بینیم و می‌شنویم، مگر این فیلم چه چیزی را نشان می‌دهد که ما هزار بار بدتر از آن را ندیده باشیم؟ هرگز یک کتاب، یک فیلم، یک نقاشی باعث انقلاب نشده‌اند؛ پس چرا جلوی آثار گرفته می‌شود؟ آیا فیلم «عصبانی نیستم» رضا درمیشیان که چهار، پنج سال در سانسور خاک خورده، وقت نمایش قیمت دلار را بالا برد؟

در دیاری که ۴۰ سال پیش ۳۷ میلیون جمعیت یک چاپ کتاب دو هزار نسخه بود، حالا با ۸۰ میلیون جمعیت یک چاپ کتاب ۵۰۰ نسخه شده است، دست‌اندرکاران از چه می‌ترسند؟ جناب آقای وزیر شما که در مراسم تشییع همه درگذشتگان هنری با حضورتان احترام می‌گذارید، وقت آن نیست که به جوانان این مملکت که آینده کشور در دست‌شان خواهد بود، احترام بگذارید و با حمایت از آثارشان آینده این مملکت را روشن کنید.

چارچ

زندگی یک روزنامه‌نگار در عمارت روبه‌رو

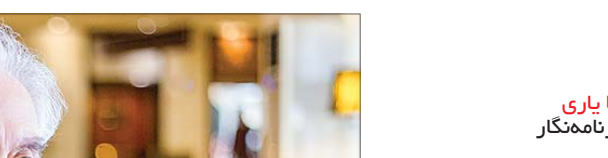
● **گروه هنر:** نمایش «آخر خط»، به کارگردانی احمد عطیسی، از هفته اول مهرماه در پلنفرم روبه‌رو اجرا می‌شود. این اثر که بر اساس متنی از پیتز تورینی اجرا خواهد شد، قصه روزنامه‌نگاری را روایت می‌کند که می‌خواهد دست به خودکشی بزند، اما قبل از آن اعترافات تکان‌دهنده‌ای از سازوکار رسانه و ساختار قدرت را بیان می‌کند.

کارگردان این نمایش با اشاره به شکل نوین متن و شیوه اجرایی آن گفت: آخر خط یکی از آثار برجسته تورینی است که در نقاط مختلف جهان بارها روی صحنه رفته، اما ما در این اجرا تلاش کرده‌ایم علاوه‌بر اینکه مفاهیم مورد اشاره در متن اصلی را – مورد نظر قرار می‌دهیم، رویکردی روان‌شناسانه به آن داشته باشیم، به همین جهت اجرایی سوررئال از این متن را شاهد خواهیم بود که واقعیت همواره در آن پنهان است. وی افزود: آخر خط از دنیای انسانی می‌گوید که خیلی چیزها را زیر پا گذاشته تا به موفقیت برسد، اما واقعیت زندگی‌اش شبیه بسیاری از انسان‌هاست و دیگر است و اگر به وقت به زندگی خودمان نگاه کنیم، احتمالاً شباهت‌هایی میان او و خودمان را پیدا می‌کنیم.

گفتنی است این اثر با بازی دانیال خیری‌خواه از سوم مهرماه در پلنفرم عمارت روبه‌رو اجرا و ساعت دقیق اجرای آن متعاقباً اعلام خواهد شد.

گفت‌وگو با پروفسور هرمز فرهت، موسیقین و استاد دانشگاه موسیقی دابلین و سامان دهنده دانشکده موسیقی دانشگاه تهران

مکتب آهنگ‌سازی و آفرینش موسیقی نداشتیم



فرهت از بزرگ‌نمایی و اغراق می‌برهنزد و هر چیزی را در همان اندازه که هست، توصیف می‌کند نه کمتر و نه بیشتر چراکه برای او واقعیت‌ها بیشتر از هر چیز دیگری مهم و محترم هستند. حتی هنگامی که در برنامه بزرگداشتی که در خانه هنرمندان برای او ترتیب داده بودند، نیز بلافاصله برای زدودن القاب و عناوین اغراق‌آمیزی که به او نسبت داده شده بود، فوراً در ابتدای کلام، خود را از آنها بری کرد تا نشان دهد با وجود اینکه ۴۰ سال است در زادگاهش زندگی نکرده، اما خلیقات ما ایرانیان را به خوبی می‌شناسد و در این سال‌ها از تملق و بزرگ‌نمایی دوری کرده چراکه او همان‌گونه که در دهه نهم زندگی‌اش هنوز محتاج تکیه‌دادن به عصا نیست، در کسب علم و جایگاه خویش نیز متکی به اراده و پای خود بوده است و به تمجید و تعریف‌های اغراق‌آمیز نیازی ندارد. پروفسور هرمز فرهت سال‌هاست ساکن ایرلند است و سال‌های زیادی رئیس دانشکده موسیقی دانشگاه دابلین بوده. کتاب او در حوزه آشنایی با دستگاه‌های موسیقی ایران با عنوان «مفهوم دستگاه در موسیقی ایران» مهم‌ترین مرجع زبان انگلیسی با بیش از صد و اندی ارجاع و استاد کتاب و نوشته به آن است. او که روزگاری اولین سامان‌دهنده دانشکده موسیقی دانشگاه تهران بود، اردیبهشت امسال، در ۹۰سالگی پس از گذشت ۴۰ سال از دانشگاه تهران دیدار کرد و فرصتی دست داد تا با او درباره آن روزگار و سماندهی دانشکده موسیقی گفت‌وگو کنیم:

و با نوازندگان موسیقی سنتی مراده داشتند. خودشان هم ساز می‌زدند و آشنایی با سنت موسیقی شهری ما داشتند.

● **دکتر عالیخانی به شما چه پیشنهادی دادند؟**

گفتند از وضع دیپارتمان موسیقی راضی نیستند و در فکر آن هستند که دیپارتمان را منحل کنند. گفتند که شنیدم در آمریکا تحصیل کرده و در دانشگاه تدریس می‌کنید، اگر که بیاید و این دیپارتمان را سروسامانی داده و برنامه مشخصی بدهید؛ من هم از لحاظ مادی و معنوی کمک و حمایت می‌کنم تا بتوانید کادر ذی‌صلاحیتی بیابید که مستقر شوند و بتوانند ثابت باشند. آن‌وقت این دیپارتمان را حفظ می‌کنم و الا به نظر می‌رسد که باید کنار گذاشته شود.

● **سه، چهارسال‌ی بود که دانشکده موسیقی تشکیل شده بود که شما رئیس دانشکده شدید، پیش از حضور شما آیا کسی از دانشکده فارغ‌التحصیل شده بود؟**

مطمئن نیستم که هنوز کسی فارغ‌التحصیل شده بود یا در شرف آن بود؛ چراکه برنامه چهار سال ریخته شده بود و در سال سوم یا چهارم احداث این دیپارتمان بود که من به دانشگاه رفتم.

● **شما در دانشکده موسیقی دانشگاه تهران چه‌کار کردید؟ چه اساتیدی را دعوت به همکاری کرده و چه دروس و سیلابسی را تدوین کردید؟ و مطالعه موسیقی در تئریه که به ایران آمد.**

● **و بعد که آمدید به دانشگاه تهران دعوت شدید؟**

بله، در آن چندماهی که در ایران بودم آشنایی‌هایی پیش آمد که موجب این دعوت شد.

● **لطفاً نام ببرید که با چه کسانی آشنا شدید که شما را به دانشگاه تهران دعوت کردند؟ چراکه این بخش جزء تاریخ موسیقی ماست و می‌ماند.**

ازجمله با وزیر فرهنگ و هنر وقت آقای پهلید، با رئیس سازمان رادیوتلوویزیون آقای قطبی و همچنین با رئیس دانشگاه تهران آقای دکتر عالیخانی آشنا شدم که ایشان، عالیخانی، گویا از سوابق دانشگاهی من اطلاعاتی موبس کرده بود و یا من راجعه به دیپارتمان موسیقی که به‌تازگی در دانشگاه تهران تأسیس شده بود، صحبت کردند. به گفته او این دیپارتمان بی‌سروسامان بود و برنامه خیلی مشخصی نداشت و به‌علاوه کادر آموزشی افرادی بودند که به‌صورت حق‌التدریسی می‌آمدند، درس می‌دادند و می‌رفتند و تماس با دانشجو، به‌جز سر کلاس، خیلی کم بود. اینکه کار دانشگاهی محسوب نمی‌شود، چراکه کار دانشگاهی فقط درس‌دادن و رفتن نیست. باید شخصاً استاد در صحنه دانشگاه حضور داشته باشد تا به نیاز دانشجویان توجه کند و در برنامه‌های تحقیقاتی‌ای که دارند، به آنها کمک کند یعنی فقط رفتن سر کلاس نیست. به‌هرحال، آقای عالیخانی راجعه اینکه این دیپارتمانی است که هنوز وضع مشخصی نیافته، توضیح دادند به‌علاوه کسی که بانی احداثش بود آقای دکتر مهدی برکشلی، یک موسیقیدان حرفه‌ای نبود.

نمود.

نمود.

● **بله، فیزیک‌دان بودند.**

فیزیک‌دان و استاد فیزیک در دانشکده علوم، ولی چون در جوانی مطالعاتی روی موسیقی ایرانی کرده و چند مقاله نوشته بود، او بانی احداث این دیپارتمان شده بود. ● **در آن موقع چند سال بود که دیپارتمان موسیقی تشکیل شده بود؟**

سه‌سال‌ی بود که تشکیل شده بود شاید هم چهار سال. ● **یعنی زمانی که دکتر عالیخانی به شما پیشنهاد ریاست دانشکده موسیقی دانشگاه تهران را دادند، دیپارتمان موسیقی سه، چهارسال‌ی بود که به درخواست دکتر برکشلی تشکیل شده بود؟**

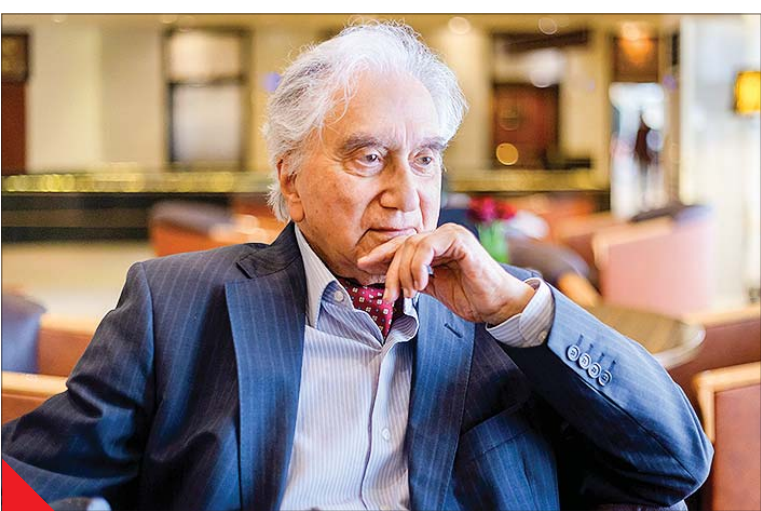
بله، ظاهراً بانی آن دکتر برکشلی بود و دختر ایشان هم که تحصیل‌کرده کنسرواتوار پاریس بود، در آنجا شاغل بود؛ همچنین آقای نورعلی خان برومند. او را هم یکی، دو سال قبل از این گفت‌ووشنود (با دکتر عالیخانی) به‌عنوان استاد به دانشگاه آورد. بودند، البته برومند کسی بود که آشنایی با موسیقی ملی-سنتی داشت، اما سوابق دانشگاهی نداشت. ● **سواد دانشگاهی در رشته موسیقی نداشت و در خارج از کشور پزشکی خوانده بودند.**

سوابق رسمی موسیقی نداشت در جوانی برای تحصیل پزشکی به آلمان فرستاده شده بود و به علت واقعه‌ای که برای من روشن نیست چه بوده که منجر به نابینایی ایشان شده بود، تحصیل را متوقف کرده و به ایران برگشته بودند. البته در خانواده متمکنی بودند

هنر

گفت‌وگو با پروفسور هرمز فرهت، موسیقین و استاد دانشگاه موسیقی دابلین و سامان دهنده دانشکده موسیقی دانشگاه تهران

مکتب آهنگ‌سازی و آفرینش موسیقی نداشتیم



بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

بی‌نام، بی‌عنوان

به درجه استادی رسیدند.

به این صورت با یک برنامه مدون و دروس مشخص‌شده که جامعیت داشت، دیپارتمان موسیقی چیده شد و امکانی فراهم آمد تا دانشجو در دو سال آخر بتواند به خواست خودش در یکی از سه‌شاخه تمرکز داشته باشد و در یکی از سه زمینه موسیقی ایرانی، موسیقی‌شناسی غربی یا در زمینه آهنگ‌سازی غربی کار کند.

● **در این مدتی که در دانشگاه این تغییرات را به وجود آوردید و به مدت هشت سال بود، رئیس دانشکده موسیقی بودید؛ فکر می‌کنم زمان کافی برای فارغ‌التحصیلی دانشجویان برای حداقل پنج دوره فراهم بود. چه کسانی در آن دوره به‌عنوان موسیقی‌شناس فارغ‌التحصیل شدند. لطفاً نام ببرید.**

به‌یقین بیش از چند اسم را به خاطر نخواهم آورد. موضوع مربوط به چهل‌وپند سال پیش است؛ برای مثال آقای لطفی را به یاد می‌آورم.

● **ایشان که نوازنده موسیقی ایرانی بودند؛ نه موسیقی‌شناس.**

بله روی موسیقی ایرانی تمرکز داشتند. همچنین افراد دیگری از جمله داریوش طلایی و آقای درویشی بودند که درویشی را در دانشگاه ندیدم. مگر دیگر نیست؟

● **مدت‌هاست که در دانشگاه تدریس نمی‌کنند و انصراف داده‌اند!** البته آقای درویشی در آهنگ‌سازی فارغ‌التحصیل شدند.

ایشان یک دائرةالمعارف encyclopedia بسیار خوبی درباره سازشناسی موسیقی ایرانی نوشته‌اند که واقعاً بی‌نظری است.

● **بله، «دائرةالمعارف سازهای ایرانی» کتاب بسیار ارزشمندی است که ایشان ۱۵ سال پیش آن را نوشتند و این مربوط به ۴۰ سال پیش نمی‌شود. می‌خواهم بدانم در دوره حضور شما کسی به‌عنوان موسیقی‌شناس ایرانی تربیت شده یا نه؟ مثلاً از شاگردان مسعودیه‌ی کسی بود که به راه استاد برود و نظریه‌پردازی کند؟ چراکه در اسامی‌ای که نام بردید ما داریوش طلایی را به‌عنوان نوازنده و ردیف‌دان می‌شناسیم. اسناد فقید محمدرضا لطفی را به‌عنوان نوازنده تار و آهنگ‌ساز بسابقه ساخت**

آهنگ‌ساز مطرح و بعدها دنباله‌رو کارهایی شدند که خانم مجد آغاز کرده بود و به پژوهش و شناسایی موسیقی نواحی اقدام کردند. کتاب «دائرةالمعارف سازهای ایرانی» در دهه ۸۰ کار شده و ماحصل پژوهش‌های قوم‌موسیقی‌شناسی است که بعد از انقلاب انجام دادند و خروجی دوران دانشگاهی ایشان نیست. منصرفا از اعضای کادر، مسعودیه از او نام برد. مسعودیه مربوط به دورانی است که در آلمان رشته قوم موسیقی‌شناسی او در دنیا صاحب اعتباری است. آیا کسی در هشت سالی که رئیس دانشکده موسیقی دانشگاه تهران بودید، به این شیوه موسیقی‌شناسی به تألیف و شاخ‌تخت موسیقی همت گماشت؟

من بعد از هفت، هشت سالی که در دانشگاه تهران بودم بقیه زمان‌ها را از کشور دور بودم. به‌یقین اشخاصی بودند اما با فرض بر اینکه تعدادی از فارغ‌التحصیلان دورانی که من در دانشگاه شاغل بودم، بعدا کارهای درخشانی در زمینه موسیقی‌شناسی کرده باشند، در آگاهی من نیست چون من دیگر ایران نبودم و اینکه اگر بگویم من نمی‌دانم حاکی از این نخواهد بود که کسی نبوده و نیست؛ شاید بوده باشد.

● **در آن دوره کسانی به گرایش موسیقی‌شناسی علاقه‌مند شدند؟**

بله، از شاگردان مسعودیه کسانی بودند که ایشان را مثل لیدر و رهبر خویش می‌دانستند اما اینکه چه کسانی بودند در یادم نیست و متأسفانه زود فوت شدند. ۲۰ سال پیش فوت کردند و من ۴۰ سال ایران نبوده‌ام.

● **البته بعدها نهالی که شما با دکتر مسعودیه کاشتید، جواب داد و کرسی ایشان به شاگرد شایسته‌ای رسید. امروزه موسیقی‌شناس در جامعه پذیرفته شده اما آیا با فعالیت‌های آن دوره شما در دانشگاه این مسئله در آن روزگار به وجود آمد؟**

این جنبه اجتماعی شامل موسیقی در مدارس و دانشگاه سیر زورافزون و بهبودی مداوم داشت؛ در تمامی دهه‌های بعد از ۱۹۲۰؛ بهتر بگویم از آن زمان که آقای وزیری بعد از چهار سال تحصیل در فرنگ به کشور برگشت و مدرسه موسیقی را تشکیل داد.

● **سال ۱۳۰۲ مدرسه تأسیس کردند!**

و این یک آغاز مهم است. برای اینکه تا آنجا که من می‌دانم از منظر تاریخی آموزش موسیقی، تا آن زمان چنین چیزی و شاهدهی در تاریخ موسیقی ایران وجود نداشته‌است؛ من می‌دانم که در تاریخ موسیقی ایران کادر آموزشی باصلاحیت باشد و افرادی بیایند برای فراگیری موسیقی و با هم باشد به‌صورت یک مدرسه، داشته باشیم. البته مدرسه موسیقی نظام ناصری برای موسیقی نظامی تشکیل شد. اما در رابطه با موسیقی را به یک مرحله آموزشی مشخص شده با برنامه‌ریزی رساند.

ادامه در صفحه ۱۳

زیر آسمان فیروزه ای

رئیس آکادمی سینمای اسپانیا؛

فرهادی برابر با فلینی و

کوروساواست



● **گروه هنر:** رئیس آکادمی سینمای اسپانیا گفت: اصغر فرهادی در زمره فیلم‌سازان بزرگ تاریخ سینما، ازجمله فلینی و کوروساواست.

بارروسو، رئیس آکادمی سینمای اسپانیا، در جمع اعضای این آکادمی و گروهی از فیلم‌سازان جوان که برای شرکت در مسسترکلاس اصغر فرهادی به اسپانیا رفته‌اند، در مادرید گفت که ساخت فیلم توسط فرهادی در اسپانیا بسیار اتفاق بالارزشی است.

وی از فرهادی خواست که به فعالیت هنری خود در اسپانیا همچنان ادامه دهد و تأکید کرد که آغوش سینمای این کشور برای او همیشه باز است. فرهادی برای شرکت در مراسم آغاز نمایش عمومی فیلم تازه خود، «همه می‌دانند»، به مادرید سفر کرده است.

رئیس آکادمی سینمای اسپانیا با ستایش کار تازه فرهادی گفت که این فیلم‌ساز ایرانی با شگفتی فیلمی کاملاً اسپانیایی ساخته است. اصغر فرهادی در پاسخ به سوآلی درباره تجربه چالش زبان در کار با بازیگران گفت: طبیعتاً این امر یک چالش است، ولی امتیازهایی هم برای کارکردن به همراه می‌آورد.

وی توضیح داد: وقتی از طریق مترجم با بازیگر صحبت می‌شود، زیاده‌گوینی‌ها و شرح‌وبسط اضافی در کار نیست و مستقیم و روشن خواسته کارگردان به بازیگر منتقل می‌شود.به گفته وی، گاهی زیاده‌گوینی و توضیح بسیار، خود سبب سوءتفاهم می‌شود.وی اضافه کرد: این شرایط کارگردان را وادار می‌کند تا به چشم‌ها، رفتار و حرکات بازیگران بیشتر توجه کند که این مسئله امتیاز مهمی است.فیلم تازه فرهادی از جمعه‌شب در سینماهای سراسر اسپانیا به نمایش درآمد. چهارشنبه‌شب نیز نمایش ویژه‌ای در دو سالن مجموعه سینمایی کابائوی مادرید برگزار شد که در آن وزرای فرهنگ و دارایی اسپانیا به همراه بازیگران و صدها نفر از اهل هنر و فرهنگ این کشور شرکت کردند.آکادمی سینمای اسپانیا به تازگی اصغر فرهادی را به‌عنوان عضو افتخاری هیئت امنای این آکادمی معرفی کرد.

سعید کنگرانی در قطعه هنرمندان به خاک سپرده می‌شود

● **پیکر سعید کنگرانی،** بازیگر پیش‌کسوت سینما و تلوویزیون، دوشنبه، ۲۶ شهریور، در قطعه هنرمندان به خاک سپرده می‌شود. بنا بر اعلام خانواده سعید کنگرانی، هنرمند پیش‌کسوت سینما و تلوویزیون، پیکر وی که روز جمعه، ۲۳ شهریور، در ۶۴ سالگی بر اثر سکنه قلبی درگذشت، امروز دوشنبه، ۲۶ شهریور، ساعت ۹:۳۰ صبح در قطعه هنرمندان بهشت‌زهر (س) تشییع و به خاک سپرده می‌شود. کنگرانی‌که در آثاری مانند «دانی‌جان ناپلئون» به کارگردانی ناصر تقوایی و «دایره مینا» به کارگردانی داریوش مهرجویی به ایفای نقش پرداخته بود، قرار بود پس از ۱۴ سال دوری، با سربال «قرص روی شیشه» به شبکه نمایش خانگی بیاید.

عروسک‌های ایرانی در استانبول

● **گروه هنر:** گالری 7 artgallery استانبول، میزبان آثار جدید سیامک عزمی از مجموعه عروسک‌های این هنرمند خواهد بود.نمایشگاهی تحت عنوان «عروسک‌ها»، از جدیدترین آثار سیامک عزمی، در این گالری برپا خواهد شد. در این نمایشگاه ۲۰ اثر بزرگ روی دیوار خواهد رفت.برهم‌گذاری لکه‌های رنگ و‌فادار به فرم‌ها، ارزش‌گذاری‌های یکسان برای هرکدام از عروسک‌ها در قاب، آنچنان‌که گویی هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند؛ شاهزاده‌ها در کنار پینوکیو! این‌قاب‌ها نمایش قسمتی از تکرار زندگی است. روایت بازی‌ها و نقش‌های تحمیلی که پذیرفته‌ایم و هنرمند هرچه بیشتر این داستان را روایت می‌کند، هرچند برای او همچون مراقبه و برای رسیدن به تکامل است، این هجو کامل‌تر می‌شود. در تفسیر و توضیح یک اثر هنری، هرچه بیشتر گفته شود به سودزیادت و انحراف از تأثیر واقعی آن نزدیک‌تر می‌شویم، باوجوداین شاید بتوان گفت عروسک‌های سیامک عزمی به‌انه‌ای است که ما را درگیر کیفیت اجرا کند. این نمایشگاه از بیستم سپتامبر تا دوم اکتبر (۲۹ شهریور تا ۱۰ مهر) در گالری 7 artgallery برپا خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۵ تا ۲۰ به این گالری در استانبول، خیابان استقلال، محله کالاتا، خیابان سردار اکرام، پلاک ۱۶ مراجعه کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر در ایران می‌توانند با تلفن ۰۸۶۰۷۲۶۰۲ تماس بگیرند.